

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی پری میسان - par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۲۷ اپریل ۲۰۱۴

## انتخابات دموکراتیک در سوریه

در حالی که دولت های عضو ناتو و شورای همکاری خلیج در معرفی رژیم سوریه به عنوان نظام دیکتاتوری پافشاری می کنند، سوریه به روند اصلاحات خود ادامه می دهد. انتخابات ریاست جمهوری در سوریه ۳ جون آغاز خواهد شد، اگر چه جریان ویرانگر جنگ همچنان در بخشی از سرزمین سوریه ادامه دارد. دمشق تمام تلاش خود را به کار گرفته است تا انتخابات به شکل کاملاً دموکراتیک و بی هیچ نقطه ضعفی برگزار شود، از سوی دیگر متجاوزان دستور صادر کرده اند که رسانه ها تا حداکثر ممکن گزارشاتشان را محدود کنند و علاوه بر این جهاد طلبان را نیز برای مخدوش ساختن آن بسیج کرده است.

شبکه ولتر | دمشق (سوریه) | ۲۵ اپریل ۲۰۱۴



در حالی که بشار اسد هنوز نامزدی خود را برای دور جدید انتخابات ریاست جمهوری اعلام نکرده است، نماینده کمونیست حلب، ماهر حاجر نامزدی خود را برای مقام ریاست جمهوری سوریه اعلام کرد.

تصویب موازین نوین انتخاباتی توسط شورای خلق جمهوری عربی سوریه قدرت های ناتو و شورای همکاری خلیج را قویاً تحریک کرد و واکنش های هیستریکی از خود نشان دادند.

پیش از به تصویب رسیدن موازین نوین انتخاباتی در سوریه، روز ۱۴ مارچ، اخضر ابراهیمی برداشت خود را از شکست مذاکرات ژنیو ۲ در جاسه همگانی سازمان ملل متحد اعلام کرد، و در پایان سخنرانی اش گفت: «تردیدهای بسیاری داریم که انتخابات ریاست جمهوری و گزینش بشار اسد طی ۷ سال دیگر برای چنین مقامی بتواند به مشکلات تحمل ناپذیر مردم سوریه پایان دهد و از ویرانی باز هم بیشتر کشور جلوگیری نماید و در عین حال موجبات اعتماد سازی متقابل را در منطقه فراهم سازد (۱)».

باید پرسیم که چه عاملی سبب شد که اخضر ابراهیمی به عنوان نماینده ویژه بان کی-مون و نبیل العربی چنین تحلیلی را عرضه کند؟ از یک سو انتخاب بشار اسد را به عنوان رئیس جمهور حتمی و به دست آمده می داند، در حالی که بشار اسد هنوز نامزدی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام نکرده است، و از سوی دیگر به چه مناسبتی باید انتخابات ریاست جمهوری را تعیین کننده سرنوشت جنگ بدانیم؟

علت این است که برای اخضر ابراهیمی، و برای آنهایی که نمایندگی شان را به عهده دارد، تنها موضوع مهم پیروزی ناتو و شورای همکاری خلیج فارس در سوریه است. این موضع گیری در گردهمایی ۳ اپریل در لندن توسط ۱۱ کشور باقی مانده از ۷۰ کشوری که در آغاز «دوستان سوریه» را تشکیل می دادند، کاملاً روشن شده است. بیانیۀ نهائی آنها روی افشای انتخابات به عنوان «هجونامه دموکراسی» تمرکز دارد و مدعی می شوند که هدف از آن «تداوم دیکتاتوری» است (۲).

ولی باید پرسیم که بر چه اساسی موازین انتخاباتی که مطابق بر قوانین کشورهای بزرگ اروپائی تنظیم شده «هجو نامۀ دموکراسی» تلقی شده است؟

از دیدگاه ایالات متحده، موضوع حتی شایسته بحث و مذاکره نیست. در این مورد، سخنگوی وزارت امور خارجه جین پساکی روز ۲۱ اپریل اعلام کرد که تنها با نگاه کردن به تاریخ حافظ اسد کافی خواهد بود که دریابیم که پسرش بشار نیز نسبتی با انتخابات آزاد ندارد (۳). علاوه بر این که واشینگتن چنین انتقادی را به بنیانگذار سوریه مدرن، وقتی که از آزاد سازی کویت پشتیبانی می کرد، وارد نمی دانست، باید پرسیم که از کی عمل فردی را بر اساس رفتار و منش پدر او می سنجند؟

از سوی «دوستان سوریه» توافق بر این است که رسانه هایشان در سطح حداقل انتخابات سوریه را پوشش دهند و حتی آن را کاملاً ندیده بگیرند، و از هم اکنون اسلامگرایان جهاد طلب را برای مخدوش ساختن آن آماده کرده اند.

برای «دوستان سوریه» «در شرایط جنگی، تنها در مناطقی که تحت کنترل رژیم می باشد ناممکن است، زیرا میلیون ها نفر از ساکنان سوریه که آواره شده اند و در اردوگاه های پناهندگی به سر می برند از حق رأی محروم می مانند» (۴) برگزاری انتخابات معتبر ناممکن است. در این صورت پس چرا انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را تبریک گفتند (که ۴۰ درصد شهروندان آن در خارج به سر می بردند) و انتخابات اوکراین را از پیش و برای آینده معتبر دانسته اند؟

به گفته دولت های عضو «دوستان سوریه»، از ۴۵ میلیون اوکرائینی، ۲ میلیون نفر در کریمه زندگی می کنند که در «اشغال نظامی روسیه» است و ۲ میلیون نفر دیگر در «جمهوری خلق دونتسک» که به شکل سرخود اعلام استقلال کرده انتخابات را بایکوت خواهد کرد. در واقع تنها اختلافی که بین وضعیت اوکراین و سوریه وجود دارد، این است که قدرت جدید اوکراین که با کودتا در کی یف سرکار آمد توسط ناتو انتخاب شده بود ولی دمشق مورد حمله ناتو قرار گرفته است.

در واقع، دولت اسد پیش از این چندین انتخابات «پلورالیست» را طی سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ برگزار کرد: شهرداری ها، همه پرسی در مورد قانون اساسی نوین، و قانونگذاری. دو انتخابات اولیه به شکل مناسب و رضایت بخشی برگزار

شد، ولی سومی با مشکلاتی چند برخورد کرد: از یک سو به این علت که مدیریت جمعیت آواره در کشور به مشکل برخورد کرد و از سوی دیگر احزاب مخالف هیچ تجربه ای در این زمینه نداشتند و به ضرورت اتحاد برای گزینش خود پی نبردند.

به انتقادات «دوستان سوریه» بازگردیم که با وجود این همه پناهنده و آواره انتخابات را ناممکن می پندارد. اگر اهالی آواره سوریه در داخل کشور بسیار هستند، جالب است بدانیم که تعداد سوری هائی که از جنگ به کشورهای خارجی فرار کرده اند نیز بسیار است و می توانند در سفارتخانه های سوریه رأی بدهند. سازمان ملل متحد اطمینان داده است که از ۲۲ میلیون جمعیت سوریه، سه میلیون و دویست هزار نفر در اردن، لبنان و ترکیه پراکنده هستند. ولی وقتی به لبنان می رویم می بینیم که به این ارقام چندان اطمینانی نیست، زیرا اکثر به اصطلاح «پناهندگان» واقعاً پناهنده نیستند: پیش از جنگ ۵۶۰۰۰۰ کارگر سوری مهاجر در لبنان وجود داشت. بدون جواز کار، قانون مانع انتقال خانواده های آنها می شد. امروز تجمع خانواده با دور زدن قانون زیر پوشش پناهنده انجام می گیرد. علاوه بر این هر فرد بالغ ۳۰۰ دالر در ماه دریافت می کند، به علاوه بنیادهای خیریه. از آنجائی که افراد با غروری هستند، کار می کنند، البته در بازار سیاه کار، یعنی وضعیتی که سطح زندگی مناسبی را برای آنها فراهم می سازد (در لبنان ۳۰۰ دالر حقوق ماهیانه یک آموزگار است). بی آن که از سوری هائی بگوئیم که با پشتیبانی دولتشان، هر ماه برای دریافت کمک های مالی شان از مرز عبور می کنند و دوباره به کشور باز می گردند. آمار دقیقی وجود ندارد تا نشان دهد که این «پناهندگان» چه کسانی هستند زیرا جریان سعد حریری آینده از این کار جلوگیری کرده است. به همان شکلی که در گذشته در مورد فلسطینی ها وجود داشت، روی تراکم سوری ها حساب می کرد که غالباً سنی مذهب بودند به شکلی که بتواند تعادل جمعیتی لبنان را به نفع اجتماع سنی ها حفظ کند.

در ترکیه، وضعیت به شکل مسخره ای درآمده، زیرا اردوگاه های نظامی القاعده به عنوان «اردوگاه پناهندگان» دسته بندی شده و عبور و مرور روزنامه نگاران در آنجا ممنوع است.

در مورد شرایط انتخاب شوندها: مبتنی بر قانون اساسی (۵) و کد انتخابات ریاست جمهوری باید بیش از ۴۰ سال شهروند سوری باشد، ملیت دیگری نداشته باشد، عدم سوء پیشینه داشته باشد، با یک همسر سوری ازدواج کرده باشد، رأی ۳۵ پارلمانی را داشته و بیش از ۱۰ سال در سوریه به سر برده و مسلمان باشد.

دو شرط آخری مشکل ایجاد می کند: به این معنا که ده سال اقامت در کشور نامزدهای تبعیدی را که توسط کشورهای خارجی تأمین مالی شده اند، حذف می کند. عملاً نامزدی اعضای اتحادیه ملی — که برخی از آنها هرگز در سوریه زندگی نکرده اند و از سه سال پیش در هتل های بزرگ استانبول، پاریس و دوحه مستقر شده اند — را ممنوع اعلام می کند.

شرط مذهبی آخرین بازمانده از رژیم مذهبی است که در حزب بعث و حتی در اصلاحات ۲۰۱۲ باقی مانده است. کارکرد رئیس جمهور مشروط به چنین خصوصیتی است که به نام قرآن که می خواهد دولتهائی با اکثریت مردم مسلمان توسط رهبران مسلمان اداره شود (۶). چنین قاعده ای نه تنها غیر هوشمندانه به نظر می رسد، زیرا این اکثریت مسلمان هستند که تصمیم می گیرند چگونه به چنین قاعده ای احترام بگذارند و یا آن را تعبیر کنند و نه قانون اساسی، بلکه حقوق شهروندان غیر مسلمان را قویاً پایمال می کند. هنگام اصلاحات قانون اساسی طی فبروری ۲۰۱۲، در حالی که مخالفان مسلح که مشخصاً اسلامگرا بودند به علاوه ناتو و شورای همکاری خلیج که فرار از پادگان ها را پاداش می دادند، رئیس جمهور بشار اسد خطر منازعه با رهبران مسلمان را در این مورد خریدار نشد. با این وجود درهای این منازعه باز است.

در هر صورت شرکت در انتخابات حرکت سیاسی بسیار مهمی و در کشوری که توسط ناتو و شورای همکاری خلیج مورد حمله قرار گرفته فوق العاده خطرناک است. کد انتخاباتی مسؤولیت دولت را در مورد تأمین امنیت نامزدهای ریاست جمهوری مشخص کرده است. تعداد پلیس هائی که باید بسیج شوند افزایش یافته است.

سر انجام، کد جدید انتخاباتی امکانات نامزدهای ریاست جمهوری را تضمین کرده و هر یک از آنها مبلغ قابل توجهی برای دسترسی برابر به رسانه های ملی را دریافت خواهند کرد. وزیر اطلاعات دستورات مشخصی در این زمینه صادر کرده است. برای نخستین بار است که شهروندان سوری می توانند اردوی هر یک نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری را از طریق روزنامه ها و رادیو و تلویزیون پی گیری کنند.

به طور مشخص، اگر آئین نامه جدید انتخاباتی به اجراء گذاشته شود، انتخابات ریاست جمهوری دموکراتیک خواهد بود، اگر چه نه کاملاً دموکراتیک زیرا از یکسو اهالی مناطق اشغالی توسط جهاد طلبان اسلامگرا نمی توانند در این انتخابات شرکت کنند، و از سوی دیگر مسیحیان هستند که نمی توانند در این انتخابات نماینده داشته باشند. با این وجود اعضای کشورهای ناتو و شورای همکاری خلیج تا وقتی که سوریه مقاومت می کند، این انتخابات را به رسمیت نخواهند شناخت.

” [۱] Briefing on Syria by Lakhdar Brahimi to the UN General Assembly”, by Lakhdar Brahimi , Voltaire Network, 14 March 2014.

” [۲] Countries Joint Statement on Syria”, Voltaire Network, 3 April 2014.

” [۳] Daily Press Briefing” par Jen Psaki, département d’État, 21 avril 2014.

[۴] Ibid.

۵) «قانون اساسی جمهوری عرب سوریه ۲۰۱۲»، شبکه ولتر ۲۶ فیبروری ۲۰۱۲

[۶] Il ne faut pas comprendre ici le terme de musulman comme indiquant que les leaders doivent adhérer à la religion de Mahomet, mais comme le fait qu’ils partagent la même foi dans l’unicité de Dieu. Ainsi le Coran fait du juif Abraham, « le premier des musulmans » (Sourate 12, verset 78.)

### گاهنامه هنر و مبارزه

۲۶ اپریل ۲۰۱۴

« زیر چشمان ما »

۷۹ مین واقعه نگاری سیاست بین المللی

« Sous nos yeux »

Élection démocratique en Syrie